

تدوین الگوی نظری معرفت نفس

از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر آیه ۱۰۵ سوره مائده

فتح‌اله نجارزادگان *

سید محمد موسوی مقدم **

مهديه سادات ذریه زهرا ***

چکیده

معرفت نفس از جمله مباحثی است که همواره مورد تأکید اندیشمندان بوده است. به‌رغم بحث‌ها و مطالعات فراوانی که در این زمینه انجام شده، اما هنوز این مفهوم در قالب یک الگوی نظری، مدون و ارائه نشده است. علامه طباطبایی در تفسیر سوره مبارکه مائده به‌طور ویژه به معرفت نفس پرداخته‌اند و در صدد تبیین خودشناسی به‌عنوان کلید سلوک و شهود و یکی از راه‌های رسیدن به معرفت رب بوده است. در این پژوهش تلاش شده جهت دستیابی به الگوی نظری معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی، متن تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده به روش تحلیل مضمون و اکاوی و تحلیل شود. به منظور تدوین الگوی نظری معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی، از نرم افزار تحقیق کیفی MAXQDA برای انجام تحلیل مضمون استفاده شده است. در این پژوهش متن تفسیر المیزان فی القرآن ذیل

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران (najarzadegan@ut.ac.ir).

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده در قالب ۱۸۰ عبارت معنادار کدگذاری شده و مضامین مرتبط با سؤال پژوهش در قالب سه دسته مضمون فراگیر و دو لایه مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه قرار گرفته‌اند. پس از آن قالب و شبکه مضامین به دست آمده، در قالب یک مدل نهایی ارائه شده است، که نشان دهنده جایگاه معرفت نفس و ارتباط آن با عوامل زمینه‌ای، علی و نتایج حاصل از آن از دیدگاه علامه طباطبایی است.

کلیدواژه‌ها: معرفت نفس، المیزان فی تفسیر القرآن، آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده، تحلیل مضمون.

مقدمه

اندیشمندان اسلامی در ارائه راه‌های شناخت خداوند متعال، دیدگاه‌های متفاوتی را بیان کرده‌اند. متکلمان، فیلسوفان، مفسران و... هر یک بر مبنای تخصصشان از زاویه‌ای متفاوت به این موضوع نگریسته‌اند. در عرفان اسلامی، معرفت نفس و طریق انفسی در معرفت ذات اقدس اله و دیگر معارف نسبت به طرق دیگر اولویت دارد. این اولویت هم از جانب طریق وصول به این معارف است و هم از جانب ارزش و اعتبار یافته‌های معرفتی. حتی می‌توان فراتر از این سخن گفت و از حصر طریق شناخت حق از طریق شناخت خود سخن به میان آورد، به گونه‌ای که بدون گذر از خودشناسی، شناخت حق ممکن نباشد.

ابن عربی، بنیان‌گذار عرفان نظری، معتقد است «معرفت نفس» تنها راه شناخت حضوری حق تعالی است؛ زیرا انسان در پرتو خودشناسی می‌تواند به تجربه‌ای شهودی از خداوند دست یابد و به فراخور استعداد و گنجایش وجودی خود، خداوند را از نزدیک بیابد. او معتقد است به‌درستی که پروردگار را نمی‌شناسد، مگر کسی که نفس خویش را بشناسد (سراج، منفرد، ۱۳۹۵: ۵۹).

بستر اصلی آفاق اندیشه‌های علامه در حوزه عرفان و به‌خصوص در زمینه معرفت نفس، آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا أْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»^۱ است و آن را کلید سلوک و شهود معرفتی می‌نماید (رودگر، ۱۳۸۲: ۴۹). ایشان ذیل این آیه به طور دقیق به شرح «معرفت نفس» پرداخته و در این زمینه به آیه

۱. سوره مائده، آیه ۱۰۵.

۱۹ سوره حشر «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» اشاره کرده و از این آیه برای شرح و تبیین خودشناسی کمک گرفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ب: ۲۴۳). طبق نظر علامه طباطبایی، شاهراه عرفان همانا خودشناسی و خودسازی است (رودگر، ۱۳۸۲: ۴۹). علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مائده بیان می‌کنند که طریق آدمی به سوی پروردگارش همان نفس اوست، و خدای سبحان غایت، هدف و منتهای سیر اوست، و این طریق مانند راه‌های دیگر اختیاری نیست، و اصولاً برای این طریق، شبیه و نظیری نیست تا کسی یکی از آن دو را انتخاب و اختیار کند، بلکه این طریق همان طوری که از آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ» استفاده می‌شود، طریقی است اضطراری، و چاره‌ای جز پیمودن آن نیست؛ طریقی است که مؤمن و کافر، آگاه و غافل و خلاصه همه‌وهمه در آن شرکت دارند. آیه شریفه ۱۰۵ سوره مائده هم نمی‌خواهد مردم را سفارش و تحریک کند که از پیمودن آن سر نپیچند. به عبارت دیگر، چنان نیست که کسانی که راه را سلوک نمی‌کنند، مورد نظر آیه باشند و آیه بخواهد آنها را از این سرپیچی نهی کند، زیرا گفتیم همه در راه هستند و به کسانی که کج‌روی می‌کنند، گفته می‌شود درست راه برو و خلاصه نمی‌خواهد مؤمنین را به حقیقتی که از آن غفلت داشته‌اند آگهی دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۶: ۲۴۵).

به‌رغم بحث‌ها و مطالعات فراوانی که در این زمینه انجام شده، مفهوم معرفت نفس در قالب یک الگوی نظری، مدون و ارائه نشده است. منظور از الگوی نظری مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به دست می‌آید (خزایی، ۱۳۹۸، به نقل از: براون و کلارک، ۲۰۰۶). ارائه الگو موجب می‌شود که جایگاه معرفت نفس و ارتباط آن با عوامل زمینه‌ای و علی و نتایج حاصل از آن تبیین و تشریح شود. از این رو، در این پژوهش سعی شده است که با تحلیل مضمون متن تفسیر المیزان، الگوی نظری معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی ارائه شود.

۱. درنگی در دیدگاه مفسران در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مائده

برخی از دیدگاه‌های مفسران ذیل آیه ۱۰۵ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَىٰ اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» به شرح ذیل هست:

۱.۱. دیدگاه اول:

دلالت آیه بر وجوب و یا عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر برخی از مفسران در زمینه عبارت «علیکم انفسکم» معتقدند که این عبارت دلالت دارد بر این امر که اهل دینتان را با امر به معروف و نهی از منکر حفظ کنید. در واقع، تأکید آیه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر در میان مسلمانان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۰۸).

بعضی دیگر در زمینه عبارت «علیکم انفسکم» معتقدند که این عبارت دلالت بر عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر ندارد. در واقع، این دیدگاه مشهورترین دیدگاه درباره تفسیر این آیه است. برخی مفسران همان‌طور که در تفسیر کبیر (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲: ۴۴۹)، مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۲۰۸)، کشاف (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۸۵)، نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۰۸)، روض‌الجنان (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۷: ۱۷۹) و کشف‌الاسرار (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۴۹) آمده است، توصیه این آیه بر عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر را مربوط به زمانی می‌دانند که شرایط امر به معروف و نهی از منکر حاصل نشده باشد، و برخی دیگر مانند شیخ طوسی و ابوالفتوح رازی به نقل از عبدالله بن مسعود، عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر در این آیه را مربوط به حالتی می‌دانند که فرد در حال تقیه باشد.

عده‌ای از مفسران نیز در زمینه عبارت «علیکم انفسکم» معتقدند که این عبارت بر عدم امر به معروف و نهی از منکر در دوره پس از عصر نزول دلالت دارد. صاحبان تفاسیر جوامع الجامع (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۱۳۶)، کشاف (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۸۵) و تفسیر کبیر (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ۴۴۹) این دیدگاه را ضعیف می‌دانند. در واقع، اینان دلالت آیه بر عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر را پذیرفته و تنها شرایط عدم وجوب را مطرح کرده‌اند که از آن جمله عدم تأثیر امر به معروف و نهی از منکر و بیم ضرر داشتن آن پس از عصر نزول است.

۱.۲. دیدگاه دوم:

نهی آدمی از پرداختن به اصلاح حال مردم به افراط این نظر در واقع دیدگاه اصلی علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده است. علامه دلالت عبارت «علیکم انفسکم» را اصلاح حال نفس و پرداختن انسان به خود می‌داند. ایشان

معتقد است که آدمی نباید در اصلاح حال دیگران و امر به معروف و نهی از منکر افراط کند، به گونه ای که امر مهم پرداختن به هدایت و اصلاح نفس خود و در نتیجه، معرفت نفس را فراموش کند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۶۴).

۲. مراحل اجرای تحلیل مضمون

برای تولید کدهای اولیه، تمامی جملات متن تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده، تک تک مورد تحلیل قرار گرفتند. مضامین مرتبط با آنها استخراج شده و به صورت کدهای اولیه ثبت شدند. هر عبارتی که دارای بار معنایی در جهت ایجاد الگوی نظری معرفت نفس از دیدگاه علامه بود، تحت عنوان یک کد قرار گرفت. سپس هر یک از کدهای اولیه ذیل مضمون بالقوه مرتبط با آن دسته بندی شد و تمامی کدهایی که مضامینی مرتبط و هم محور داشتند، ذیل یک مجموعه قرار گرفتند. دسته بندی و ترکیب این کدها مضامین را ایجاد نمود. در مرحله نام گذاری مضامین سعی بر آن بود که تک تک واژه های مضامین به گونه ای انتخاب شود که بیان کننده دقیق کدهای زیر مجموعه خود و همچنین بهترین مضمون برای بازتاب دیدگاه علامه باشد. مضامین به صورت چندباره مرور شد و بارها کدها مورد بررسی قرار گرفت تا در نهایت، هر کد بتواند در زیرمجموعه مضمونی که بیان کننده صریح دیدگاه علامه باشد قرار بگیرد. سلسله مراتب مضامین به ترتیب: مضامین فراگیر، مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه دسته بندی شد. در آخر، سه مضمون فراگیر اصلی در نظر گرفته شد: ۱. چیستی معرفت نفس ۲. طریق معرفت نفس ۳. زمینه های معرفت نفس. این سه مضمون از مضامین مهم و پربسامدی بودند که علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مائده در خصوص آنها نکات دقیق و ارزشمندی را بیان کردند.

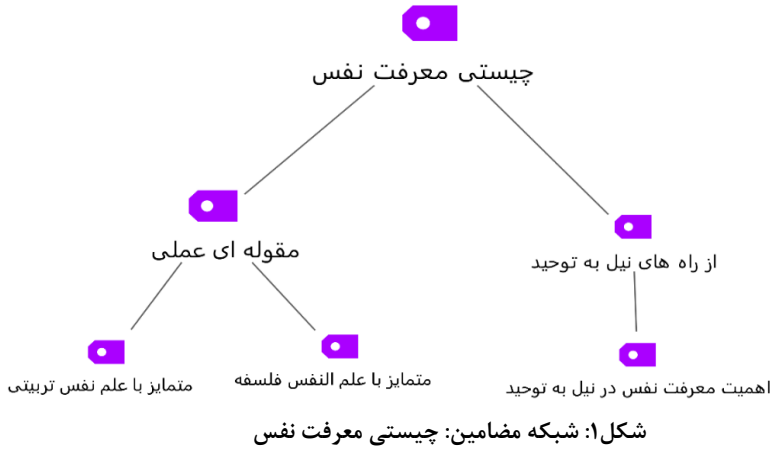
۱.۲. چیهستی معرفت نفس

در زمینه تشریح و تبیین «چیهستی معرفت نفس»، علامه بر روی دو مضمون تأکید داشته‌اند: «راه نیل به توحید» و «مقوله‌ای عملی». تعداد کدهای استخراج شده ذیل مضمون سازمان‌دهنده «راه نیل به توحید»، در مجموع ۵۴ کد است. در بررسی و تحلیل کدهای زیرمجموعه این مضمون پایه، نتیجه‌ای که حاصل شد، آن است که علامه معرفت نفس را از راه‌های نیل به توحید و شناخت خداوند متعال می‌دانند. علامه سیر در آفاق و انفس را در نیل به توحید و هدایت به سوی دین و تقوا، مؤثر و نافع می‌دانند. همچنین ایشان معرفت نفس را نتیجه‌ی سیر انفسی و غایت معرفت نفس را نیل به توحید و معرفت ربّ می‌دانند و بر اهمیت سیر انفسی که نتیجه‌ی آن معرفت نفس است، تأکید فراوان داشته‌اند که در این زمینه به آیات و روایات استشهاد می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۷۰).

مضمون دیگری که در تبیین «چیهستی معرفت نفس» یاری‌کننده بود، مضمون سازمان‌دهنده «مقوله‌ای عملی» است. علامه طباطبایی بر روی عملی‌بودن معرفت نفس تأکید زیادی داشته‌اند. ایشان معتقد بودند که معرفت نفس مسئله‌ای فکری و نظری نیست، بلکه معرفت نفس مقصدی است که جز از راه عمل نمی‌توان به آن معرفت تام و کامل دست‌یافت. همچنین در تحلیل کدهای ذیل این مضمون سازمان‌دهنده، دو گونه دانش در زمینه نفس گزارش شده است: علم النفس مطرح در فلسفه و علم النفس مطرح در علوم تربیتی. معرفت نفس جدای از این دو است و تنها با عمل حاصل می‌شود و آنچه متأخرین در زمینه علم النفس تربیتی در فن اخلاق نوشته‌اند، با معرفت نفس متفاوت است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۹۴). علامه در مورد تفاوت علم نفس با معرفت نفس آورده‌اند که:

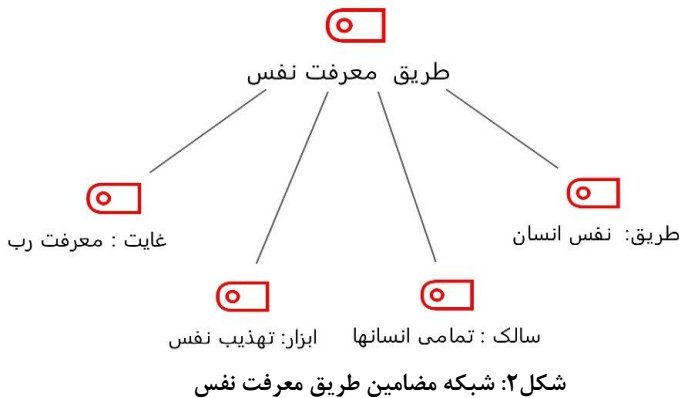
علم نفس به فنی گفته می‌شود که از نفس و مسائل مربوط به آن و خواص آن بحث می‌کند و معرفت نفس به شناسایی واقعیت نفس از راه مشاهده و عیان گفته می‌شود. شناسایی نفس از راه علم نفس، شناسایی فکر است و از راه معرفت نفس، شناسایی شهودی... (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۸۳).

در شکل زیر شبکه مضامین ذیل مضمون فراگیر «چیهستی معرفت نفس» نشان داده شده است.



۲.۲. طریق معرفت نفس (مضمون فراگیر)

از دیگر مضامین فراگیری که علامه در زمینه «معرفت نفس» مطرح کرده‌اند، مضمون فراگیر «طریق معرفت نفس» است. کدهای مرتبط با «طریق معرفت نفس» در چهار دسته کلی استخراج شده‌اند؛ این چهار دسته تشکیل‌دهنده چهار مضمون سازمان‌دهنده هستند که در شکل زیر شبکه مضامین مربوط به این مضمون فراگیر نشان داده شده است تا جایگاه هر یک از آنها مشخص شود، و در ادامه، تمامی این مضامین به صورت دقیق تشریح می‌شود. با تحلیل مضامین سازمان‌دهنده ذیل مضمون طریق معرفت نفس، چیستی این طریق که همان نفس انسان است و سالکان راه و ابزار لازم برای رسیدن به غایت این طریق که همان معرفت ذات مقدس ربوبی است تبیین می‌شود.



۱.۲.۲. طریق: نفس انسان (مضمون سازمان‌دهنده)

تعداد کدهای استخراج شده ذیل مضمون سازمان‌دهنده طریق: نفس انسان، در مجموع ۱۴ کد است؛ در بررسی و جمع‌بندی این کدها این نتیجه حاصل شد که نفس انسان همان طریق است. برای اثبات طریقیّت نفس با توجه به متن آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَبِئْسَ ثَمًّا لِمَنْ كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»، دو عبارت زیرمجموعه این مضمون قرار گرفتند تا بتوانند طریقیّت نفس را اثبات کنند.

(۱) علامه معتقدند که عبارت «لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» که در انتهای آیه آمده است، دلالت دارد بر این امر که گمراهی کافران و هدایت مؤمنین که دو معنای متقابل‌اند و در این بخش از آیه آمده است، تنها در سلوک طریق محقق می‌شوند و در غیر آن معنا ندارد.

(۲) عبارت «عليكم انفسكم» مؤمنین را به پرداختن به نفس خود امر می‌کند.

از این دو عبارت گمراهی و هدایت که در سلوک محقق می‌شود و همچنین مراقبت از نفس، علامه نتیجه می‌گیرند:

راهی که خداوند متعال امر به سلوک آن می‌کند، همان نفس انسان است؛ زیرا زمانی که خداوند متعال می‌گوید زنه‌ار راه را گم نکن، نگهداری خود راه است، نه جداسدن از رهروان راه؛ پس در اینجا که خداوند می‌فرماید نفس خود را حفظ کنید، معلوم می‌شود این نفس همان طریق است، نه راهرو (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج: ۶: ۱۶۵).

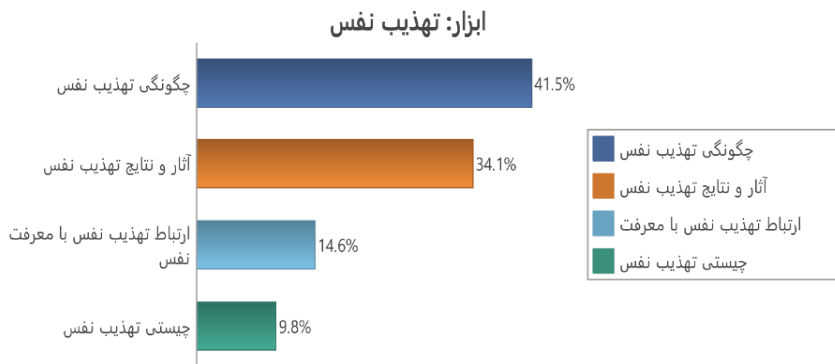
۲.۲.۲. سالک: تمامی انسان‌ها (مضمون سازمان‌دهنده)

از دیگر مضامین سازمان‌دهنده، مضمون «سالک» است. علامه معتقدند که سالک این طریق تمامی انسان‌ها هستند. از نمونه مضامین پایه، آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» است که علامه به این آیه استشهاد می‌کنند و این مسیر را طریقی اضطراری و غیراختیاری می‌دانند. ایشان سلوک را مختص مؤمنین نمی‌دانند و تمامی انسان‌های مؤمن و کافر، آگاه و غافل و همگی را مجبور به طی این مسیر می‌دانند و معتقدند که این‌گونه نیست که تنها مؤمنین و یا عارفان، رهروان این راه باشند، بلکه تمامی افراد از ابتدای حیات دنیوی‌شان در مسیر سلوک الی الله هستند و تنها تفاوتی که در طی این مسیر وجود دارد، این است که بعضی راهشان طولانی و

غیر منتهی به سعادت است و برگشت کار این سالکان جز هلاکت و نابودی نیست، و برخی دیگر راهشان کوتاه و رشد و رستگاری‌شان مسلم است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۶۶).

۲.۲.۳. ابزار: تهذیب نفس (مضمون سازمان‌دهنده)

مضمون «تهذیب نفس» از مضامین پرتکرار و پربسامد در این متن بود که نشانگر اهمیت آن در دیدگاه علامه طباطبایی است. در تحلیل آنچه علامه بیان کرده‌اند، چهار مضمون ذیل مضمون سازمان‌دهنده «تهذیب نفس» قرار گرفتند که در نمودار به ترتیب میزان فراوانی کدها نشان داده شده است. بیشتر بودن فراوانی کدهای ذیل مضمون «چگونگی تهذیب نفس» احتمال اهمیت بیشتر موضوع در ذهن علامه طباطبایی را روشن می‌سازد.



نمودار ۱: فراوانی مضمون تهذیب نفس

«چیستی تهذیب نفس»:

تهذیب نفس انسانی که با تعابیر مختلفی چون تطهیر، تزکیه، تصفیه، ریاضت و مجاهده، تقوا، سلوک، تبّتل و... از او یاد شده است، مجموعه‌ای از اعمال، کوشش‌ها و مجاهداتی است که به نفس و به ذاته موردنظر نیست؛ بلکه عامل و ابزاری برای رفع موانع و حجاب‌هایی است که بین نفس انسان و کمال خاص وی قرار دارند و به شکل‌های مختلف سلبی و ایجابی تحقق می‌یابند؛ بنابراین، تهذیب نفس اولاً ماهیتی ابزاری دارد و ثانیاً کارکرد آن نسبت به نفس انسانی، سلبی (رفع موانع حجب) است؛ تا او به کمال و سعادت واقعی‌اش برسد (نوروزی، ۱۳۸۶).

علامه معتقدند که مقوله معرفت نفس مقوله‌ای نظری نیست، بلکه مقوله‌ای عملی است و تهذیب نفس نیز به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به معرفت نفس است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۸۸).

«چگونگی تهذیب نفس»:

از بیشترین فراوانی کد ذیل مضمون سازمان‌دهنده «ابزار: تهذیب نفس» برخوردار است. در تمامی کدهای استخراج شده در مجموع ۱۷ کد به این مضمون اشاره می‌کند و این امر نشان از اهمیت موضوع در دیدگاه علامه طباطبایی دارد؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت بعد عملی معرفت نفس که از اهمیت ویژه و کلیدی برخوردار است، «تهذیب نفس» است. و چگونگی تهذیب نفس در واقع مشخص کردن همان بعد عملی در طی این مسیر است.

ذیل مضمون «کیفیت تهذیب نفس» مضامین پایه‌ای که حاوی چگونگی تهذیب نفس در ادیان دیگر و قرآن است، قرار گرفته‌اند؛ نتیجه آن شد که تهذیب نفس در ادیان مختلف صرفاً پرداختن به اعمال عبادی توصیه شده در آن ادیان است. علامه طباطبایی معتقدند که یک انسان متدین با هر دینی به دنبال سعادت است که دینش بشارت‌دهنده آن است. این فرد می‌بیند که این سعادت را نمی‌تواند از راه پرداختن به شهوات و تمتعات مادی به دست آورد، زیرا این‌گونه امور مادی، انسان را به سعادت مطلوبش نمی‌رساند و به‌ناچار متوجه می‌شود که باید تا حدودی که دینش گفته است، از شهوات و تمتعات مادی دست بکشد. در این صورت می‌فهمد که باید تسلیم امر قدرتی مافوق قدرت‌های مادی شود و در برابر او خضوع کند. این تسلیم، خضوع و دست‌کشیدن از شهوات، همان دستورات و اعمال عبادی در ادیان مختلف است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۸۶).

از جمله مضامین پنهانی که در این پژوهش از عبارات علامه برداشت شده، مضمون «مراقبه و محاسبه» است. علامه در طول تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده از عبارت «مراقبه و محاسبه» به‌عنوان اصطلاحی که در علم اخلاق رایج است، برای تبیین «کیفیت تهذیب نفس» در قرآن هیچ‌گاه استفاده نکرده‌اند، ولی فعل «راقب، یراقب» را در زمینه اعمالی که انسان انجام می‌دهد به کار برده‌اند. در بسیاری از عبارات علامه به‌صورت ضمنی به مفهوم «مراقبه و محاسبه» اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۶۵). از تحلیل کدهای مربوط به چگونگی تهذیب نفس در قرآن این نتیجه حاصل شد که هر انسانی موظف است از نفس خود مراقبت کامل داشته باشد تا در طی این مسیر گمراه نشود و به بیراهه نرود؛ و بر هر انسانی لازم است که همواره در سلوک خویش

متوجه غایت و هدف مطلوب باشد؛ زیرا لحظه‌ای غفلت از هدف انسان را به بیراهه می‌کشاند. تمامی این عبارات که بارها در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده توسط علامه با بیان‌های متفاوت ارائه شده است، در واقع همان مفهوم «مراقبه و محاسبه» را برای انسان یادآور می‌شود که در طی این طریق همواره مراقبت کامل بر اعمال و نیت خود داشته باشد. از آنجاکه در ذیل تفسیر عبارت «علیکم انفسکم» علامه بر مراقبت انسان از نفس خود برای طی طریق عبودیت تأکید دارند، می‌توان گفت پیام عبارت «علیکم انفسکم» در کلام علامه همان مراقبه‌ای است که علمای علم اخلاق بر آن تأکید فراوان دارند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۶۵). تحریری، از علمای علم اخلاق در عصر حاضر و از شاگردان بنام علامه طباطبایی، ذیل عبارت «علیکم انفسکم» این‌گونه می‌نویسد:

اگر کسی به معنای جمله «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» عمل نماید، معنای جمله بعدی «لَا يَضُرُّكُمْ...» به‌طورقطع برای او حاصل می‌شود، یعنی به هر اندازه بر خویش و اعمال و رفتارش مواظبت داشته باشد، هدایت یافته و گمراه‌کننده (شیطان) به او ضرر نمی‌زند. نیز در مرحله هدایت، گمراهی و ظلمت در او تأثیری ندارد (تحریری، ۱۳۸۹: ۲۳۸).

یکی از مضامین پایه‌ای مهم ذیل «کیفیت تهذیب نفس در قرآن»، مضمون آیه ۱۸ سوره حشر و امر به تقوایی است که در ابتدای آیه آورده شده است. در تحلیل کدهای مربوط به این مضمون و طبق آنچه علامه بیان کرده‌اند، امر به تقوا در این آیه همان مراقبه و توجه انسان بر تک تک اعمال خویش است و امر به تقوا در قسمت پایانی آیه امر به تقوای در محاسبه اعمال است، و افرادی که شایسته امتثال این دستور آیه باشند، در نهایت اقلیت هستند؛ برای اثبات اقلیت این افراد بر روی غیبت بودن خطاب آیه و نکره بودن واژه نفس تمرکز شده است که نشان از آن است که انسان‌های معدودی به مراقبه و محاسبه توجه لازم را دارند و به آن عمل می‌کنند. از این رو، امر به تقوایی که در آیه ۱۸ سوره حشر آمده، همان مراقبه‌ای است که در آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده ذیل عبارت «علیکم انفسکم» به آن اشاره شده و این مراقبه همان طور که در ادامه آیه ۱۸ سوره حشر آمده است، باید همواره همراه با محاسبه نفس باشد تا انسان را به سر منزل مقصود که همان معرفت نفس و نهایتاً معرفت رب که غایت سلوک انسانی است، برساند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۶۵).

«کیفیت ارتباط تهذیب نفس با معرفت نفس»:

علامه معتقدند که انسان با انجام بعضی ریاضت‌ها و یا عمل به دستورات و احکام ادیان توحیدی می‌تواند نفس خویش را از آلودگی و اشتغال به امور مادی بازدارد. عدم اشتغال نفس به امور مادی و شهوات باعث می‌شود که قدرت شگرف نفس بارز شود. بارز شدن قدرت نفس ممکن است به صورت مستمر و یا موقت باشد. ممکن است فردی به صورت دائمی نسبت به لذایذ مادی و مشتتهای فانی دنیای فانی زهد ورزیده و جز ریاضت دادن به نفس و اشتغال به سلوک طریق باطن، هم دیگری ندارد؛ این‌گونه افراد قدرت نفس به صورت دائمی برایشان بارز می‌شود. از این‌رو، تهذیب نفس از عوامل مؤثر در استكمال نفس و در نتیجه، بروز قدرت نفس است و این بروز منجر به شناخت ویژگی‌های نفس می‌شود؛ در صورتی که این ریاضت‌ها در مسیر صحیح و مطابق با هدف نهایی سلوک که معرفت پروردگار است باشد، معرفت نفس به صورت صحیح برای انسان حاصل می‌شود. در غیر این صورت، ممکن است معرفتی که نسبت به نفس حاصل شده است، به صورت ناقص باشد و منجر به گمراهی فرد شود.

در این زمینه علامه روایتی از کتاب *غررالحکم و دررالكلم* گزارش کرده‌اند که نشان‌دهنده ارتباط میان معرفت نفس و تهذیب نفس است. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «هر که نفس خود را شناخت، مجاهده با نفس نمود، و هر که نفس خود را شناخت، آن را وا گذاشت و رهاش کرد» (همان، ج ۶: ۱۸۷). در این روایت اشاره شده است که شناخت نفس منجر به تهذیب نفس می‌شود؛ در واقع، اشاره‌ای به ابتدای مسیر شناخت که شروعش با تهذیب نفس است نداشته است و موضوع روایت ادامه مسیر است که تهذیب نفس دائمی منجر به حاصل شدن شناخت تام از نفس می‌شود. در حقیقت، تهذیب نفس و معرفت نفس تقویت‌کننده و به عبارتی دیگر، تأثیر مستقیم و متقابل بر روی یکدیگر دارند (همان).

«آثار و نتایج نهایی تهذیب نفس»:

علامه طباطبایی بر روی دو اثر یا نتیجه تأکید داشته‌اند:

(۱) **آگاهی از غیب:** که از آثار تهذیب نفس در دنیای مادی است. در دیدگاه علامه طباطبایی دست یافتن به امور غریبه از جمله نتایج تهذیب نفس است؛ و ویژگی اصلی امور غریبه امکان دستیابی از سوی تمامی انسان‌ها است. کدهای ذیل این مضمون پایه این مفهوم را می‌رساند که

تمامی افراد با داشتن هر مسلک و دینی می‌توانند به این امور دست پیدا کنند و این ویژگی دال بر کرامت و یا داشتن جایگاه والای انسانی نیست. به عبارتی دیگر، علامه معتقدند که ممکن است فردی به هیچ‌یک از ادیان توحیدی اعتقاد نداشته باشد، همچنین شناخت صحیحی نیز در زمینه حقیقت نفس نداشته باشد، ولی صاحب امور غریبه باشد. در واقع، افرادی هستند که ممکن است با ریاضت و انجام بعضی اعمال زاهدانه اطلاعاتی در زمینه نفس پیدا کرده باشند، به برخی از قدرت‌های شگرف نفس انسانی آگاهی پیدا کرده باشند و برخی امور خارق‌العاده از آنها سر بزند، ولی از آنجا که آگاهی‌شان نسبت به حقیقت نفس ناقص است و دقیق نیست، دچار اشتباه و گمراهی می‌شوند. در جمع‌بندی داده‌های این مضمون این نتیجه حاصل شد که صاحب امور غریبه و کرامات ممکن است نسبت به معرفت نفس، ناآگاه و گمراه باشد و این اثر و نتیجه‌ی علت تامه معرفت نفس نیست و چنانکه خواهد آمد، نیازمند وجود زمینه‌های لازم برای رسیدن به معرفت رب است (همان، ج ۶: ۱۹۰).

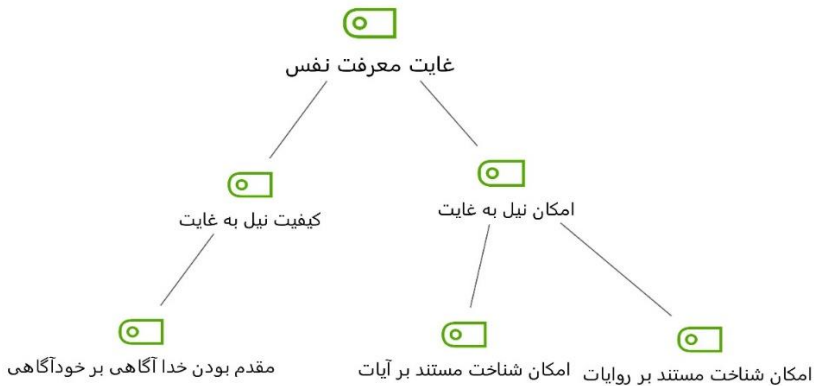
۲) **نیل به سعادت:** از آثار تهذیب نفس در حیات اخروی است؛ هدفی است که ادیان توحیدی بشارتش را به پیروان خود داده‌اند. و رسیدن به سعادت را منوط به عمل به احکام و برنامه‌های دین کرده‌اند. پیروی از دستورالعمل‌های ادیان توحیدی انسان را به حیات طیبه‌ای رهنمون می‌سازد که رسیدن به سعادت حقیقی جز با دستیابی به این حیات طیبه امکان‌پذیر نیست؛ حیاتی که آدمی جز به وسیله نفسی پاک از پلیدی‌های تعلقات مادی و تمتعات بی-قیدوشرط حیوانی به آن نمی‌رسد. مفهوم کدهای ذیل مضمون پایه «نیل به سعادت» دال بر آن است که تهذیب نفس، انسان را برای رسیدن به حیات طیبه و سپس نیل به سعادت آماده می‌کند و از آنجا که نیل به سعادت منوط به تهذیب نفس شده، خداوند متعال تهذیب نفس را در لابه‌لای برنامه‌های دین و احکام گنجانده است تا گرونده به دعوت و آن کسی که دین، او را در دامن خود می‌پروراند، مستعد پذیرفتن و تلبس به خیر و سعادت شود، و مثل کسی نباشد که با این دست گرفته و با دست دیگر پرتاب کند (همان، ج ۶: ۱۸۸).

۲.۲.۴. غایت: ذات مقدس ربوبی (مضمون سازمان‌دهنده)

عبارت پایانی آیه «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ» یکی از داده‌های تشکیل‌دهنده این مضمون سازمان‌دهنده است. علامه معتقدند که خداوند برای آدمی راهی را فرض کرده که غایت این راه خداوند متعال

است و توجه مستمر به غایت در طی این طریق اهمیت فراوانی دارد. این توجه مستمر عاملی برای سعادت انسان است و فراموش کردن هدف باعث از یاد بردن راه و یا همان نفس انسانی می‌شود که این نتیجه از عبارت آیه ۱۹ سوره حشر «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» به دست می‌آید که علامه در تبیین این نتیجه به آن استشهاد کرده‌اند.

ذیل مضمون سازمان‌دهنده «غایت معرفت نفس» علامه دو مضمون «امکان نیل به غایت» و «کیفیت نیل به غایت» را تبیین و تشریح کرده‌اند که این دو مضمون به‌عنوان دو مضمون پایه قرار گرفتند. در شکل زیر شبکه مضامین این مضمون سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر آن نشان داده شده است.



شکل ۳: شبکه مضامین غایت معرفت نفس

۱) کیفیت نیل به غایت: در تحلیل کدهایی که ذیل مضمون سازمان‌دهنده «کیفیت نیل به غایت» قرار گرفتند، روشن شد که نظر دین به مسئله عرفان نفس نظر استقلالی نیست، بلکه نظر آلی و طریقی است؛ به بیانی دیگر، انسان در این مسیر همواره باید به این نکته توجه داشته باشد که غایت این طریق معرفت رب است و معرفت نفس به مثابه طریقی است برای رسیدن به این غایت. علامه جهت بیان «کیفیت نیل به غایت»، به تبیین تقدم و تأخر معرفت نفس و معرفت رب پرداخته‌اند و ذیل این مضمون بر روی عبارت «خدا را به خدا شناختن» و یا به عبارتی دیگر، «تقدم خداآگاهی بر خودآگاهی» که مضمون پایه ذیل مضمون سازمان‌دهنده «کیفیت نیل به غایت» است، تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند زمانی که انسان در آیات انفسی تفکر می‌کند، به خوبی

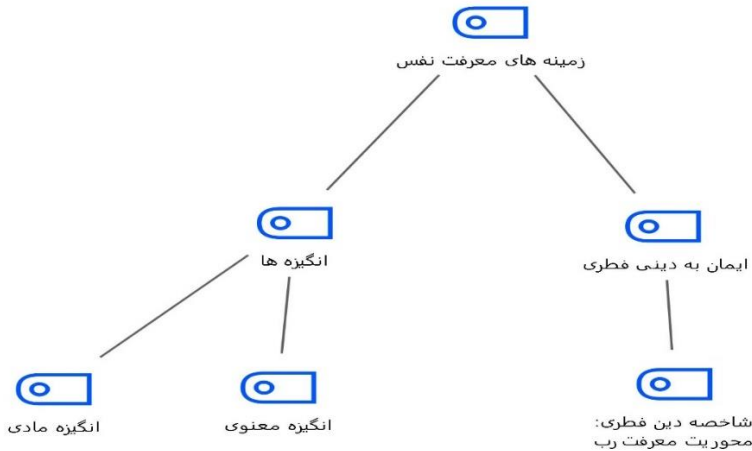
درمی‌یابد که در تمامی شئون زندگی‌اش محتاج و فقیر است و چیزی از خود ندارد و به جز خداوند با هر چیز دیگری بیگانه است. اختلاطش با اغیار ظاهری است، وگرنه در همه حال با خداوند است؛ زیرا تنها خداوند است که احاطه‌ی کامل بر نفس انسانی دارد و اینجاست که از هر چیزی غیر از خدا متقطع می‌شود و تنها به یاد پروردگارش است و در همه حال ذاکر اوست. در این حالت دیگر چیزی بین انسان و خداوند حجاب و مانع نیست. علامه طباطبایی این حالت را تعبیر به «خدا را به خدا شناختن» می‌کنند. ایشان روی عبارت «از راه علم به او، خودت را هم که معلول اوئی، می‌شناسی» تأکید می‌کنند و معتقدند که انسان خودش را از ناحیه خود نمی‌تواند بشناسد، بلکه با توجه به آیات انفسی درمی‌یابد که آنچه در نفس اوست، آن نیز ملک خداوند است و قائم به اوست. با توجه به عبارت «خدا را به خدا شناختن» و داده‌های دیگر ذیل این مضمون این نتیجه حاصل می‌شود که در دیدگاه علامه سیر انفسی به این صورت نیست که انسان ابتدا خود را بشناسد و پس از شناخت خود، به معرفت ربّ برسد، بلکه از همان ابتدا انسان در سیر انفسی پی می‌برد به وجود خداوندی که مالک مخلوقات و غنی مطلق است؛ با شناخت خداوند جهانیان، به شناخت خود پی می‌برد و آگاه می‌شود که مخلوق و مملوک و فقیر است. در نهایت، با شناخت خداوند به شناخت کاملی از خود می‌رسد. علامه ذیل تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده تنها به شناخت معلول از طریق شناخت علت توجه کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۷۲). در صورتی که می‌توان این رابطه را دو طرفه و یا رابطه‌ای متقابل دانست و حقیقت موضوع را این‌گونه بیان کرد که معرفت ربّ و معرفت نفس، رابطه‌ای متقابل دارند و هریک باعث هم‌افزایی دیگری می‌شود؛ ولی در ابتدای مسیر، خدا آگاهی بر خود آگاهی مقدم است. در این صورت، حقیقت روایت «من عرف نفسه، فقد عرف ربّه» مشخص می‌شود. به عبارتی، هرچه انسان در طی مسیر سلوک، آگاهی بیشتری نسبت به خود پیدا کند، آگاهی‌اش نسبت به پروردگارش افزایش می‌یابد. این رابطه، متقابل است. هرچه معرفت ربّ افزایش یابد، انسان نسبت به نفس خویش آگاه‌تر می‌شود.

۲) امکان نیل به غایت: در تحلیل مضمون «امکان نیل به غایت» عبارات علامه دالّ بر این مطلب است که شناخت، امری ممکن است. حتی آیات و روایات، انسان را به این شناخت ترغیب می‌کنند. مضمون روایت مشهور «من عرف نفسه، فقد عرف ربّه» امتناع معرفت نیست، بلکه امکان شناخت را بیان می‌کند. ایشان در زمینه‌ی تبیین امکان شناخت آورده‌اند که:

- اولاً به دلیل اینکه در روایت دیگری دارد: اعرفکم بنفسه، اعرفکم برّبه: نفس‌شناس‌ترین شما، خداشناس‌ترین شماست.
 - ثانیاً به دلیل اینکه حدیث مزبور در حقیقت عکس نقیض آیه شریفه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» است.
 - ثالثاً در همان کتاب مذکور (عمرالحکم و دررالکلم آمدی) از آن جناب نقل کرده که فرمود: «زیرک کسی است که خود را بشناسد و اعمال خود را خالص کند».
 - رابعاً در همان کتاب (عمرالحکم و دررالکلم آمدی) از آن جناب نقل شده است که فرمود: «از آن دو معرفت، معرفت به نفس از دیگری بهتر است».
- بنابراین، علامه طباطبایی در زمینه اثبات امکان شناخت، به آیه ۱۹ سوره حشر و سه روایت در زمینه معرفت نفس استناد کرده‌اند، که با توجه به این آیات و روایات، از دیدگاه ایشان شناخت نفس، امری محال نیست و روایت شریف «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» در صدد بیان محال بودن معرفت خداوند و در نتیجه محال بودن معرفت نفس نیست (همان، ج: ۶: ۱۷۰).

۲.۳. زمینه‌های معرفت نفس (مضمون فراگیر)

کدها و داده‌های استخراج شده ذیل مضمون «زمینه‌های معرفت نفس» دالّ بر این مطلب است که معرفت نفس به‌عنوان طریق و یا ابزاری برای رسیدن به معرفت رب، زمینه‌هایی لازم دارد که پیمودن راه را برای سالکان هموار کند، و آگاهی نسبت به هریک از این زمینه‌ها از گمراهی رهروان این مسیر جلوگیری می‌کند. دو مضمون «ایمان به دین فطری» و «انگیزه» به‌عنوان زمینه اصلی برای پیمودن این مسیر گزارش شده است که این دو مضمون به‌عنوان مضامین سازمان‌دهنده ذیل مضمون فراگیر «زمینه‌های معرفت نفس» قرار گرفتند. در شکل زیر شبکه مضامین این مضمون فراگیر نشان داده شده است.



شکل ۴: شبکه مضامین زمینه‌های معرفت نفس

۱) **ایمان به دینی فطری:** با توجه به فراوانی کدهای مربوط به هریک از این مضامین سازمان‌دهنده و در تحلیل هریک از کدها مشخص می‌شود آنچه به‌عنوان زمینه برای معرفت نفس بر روی آن تأکید شده، «ایمان به دینی فطری» است. در واقع، زمانی که انسان به دینی فطری گروید، در مسیر پیروی از احکام و دستورالعمل‌های دینش به نوعی به زهد دعوت می‌شود؛ زیرا اساساً در لابه‌لای احکام دین فطری، انسان به زهد ترغیب می‌شود و بدین شکل، زهد هم به عرفان نفس راه می‌نماید. همچنین تمامی ادیان ریشه در دین فطری دارند. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، معیار شناخت دین فطری است، که علامه مهم‌ترین شاخصه آن را محوریت معرفت رب می‌داند. به عبارتی دیگر، پیروی انسان از دین فطری که محوریت آن شناخت پروردگار متعال است، مهم‌ترین عامل زمینه‌ای برای رسیدن به معرفت نفس است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۸۹).

۲) **انگیزه:** در جایگاه بعدی فراوانی‌ها مضمون سازمان‌دهنده «انگیزه» قرار دارد. در نتیجه‌ی جمع‌بندی کدهای مربوط به مضامین پایه آن: «انگیزه مادی» و «انگیزه معنوی» مشخص شد که انگیزه یکی از زمینه‌هایی است که در پرداختن به معرفت نفس بسیار حائز اهمیت است. نوع انگیزه و هدف از آن در رسیدن و یا نرسیدن به معرفت و به عبارتی دیگر، در گمراه شدن و یا رسیدن به سعادت انسان‌ها نقش اساسی دارد. انسان‌ها در پرداختن به معرفت نفس دو نوع انگیزه مادی و معنوی دارند. آن دسته که انگیزه مادی را جهت طی این طریق در نظر گرفته‌اند، از ابتدای مسیر به بیراهه رفته و گمراه شده‌اند و آنانی که انگیزه معنوی برای آنها به‌عنوان محرکی

برای شروع مسیر بوده است، انگیزه‌شان به دو گروه کلی تقسیم می‌شود: انگیزه معنوی صحیح و انگیزه معنوی ابتر. برخی افراد انگیزه معنوی‌شان تام و کامل نیست و خود معرفت نفس را به‌عنوان هدف پذیرفته‌اند، در صورتی که همان‌طور که در مباحث قبل بیان شد، نقش معرفت نفس نقشی آلی است و به‌عنوان طریقی است برای رسیدن به غایت نهایی که معرفت رب است. این افراد از آنجا که هدف و انگیزه صحیحی از مسیر ندارند و انگیزه‌شان ابتر است، در این راه موفق به نیل به غایت نمی‌شوند و گمراه خواهند شد. برخی دیگر معرفت نفس را از این رو دنبال می‌کنند که خود وسیله‌ای برای رسیدن به شناخت پروردگارشان است که احتمال رسیدن این افراد به غایت معرفت نفس بیش از سایرین است (همان، ج ۶: ۱۹۲).

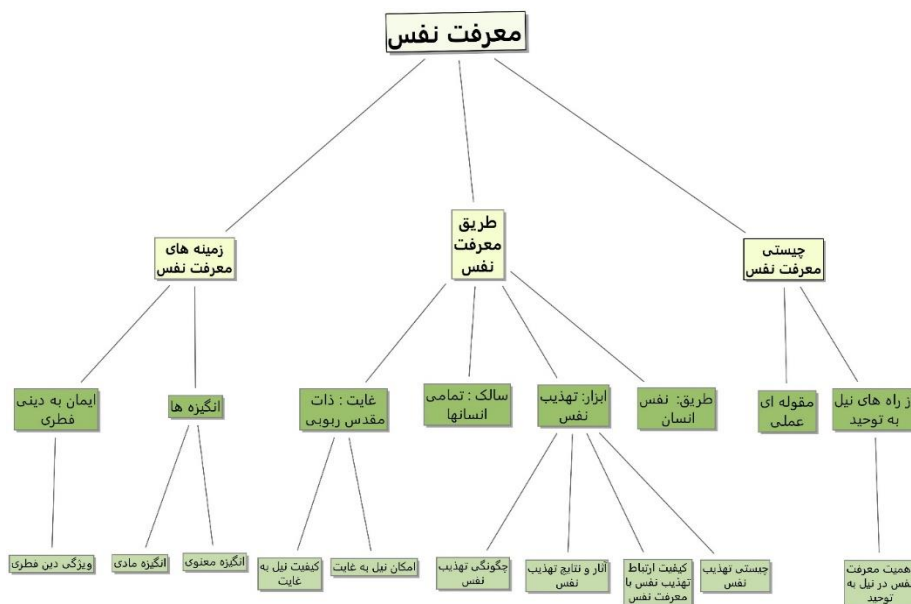
۳. خلاصه نتایج تحلیل مضمون

یافته‌های اولیه این پژوهش، حاصل عملیات تحلیل مضمون استقرایی محدود به متن المیزان فی تفسیر القرآن ذیل تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده جهت شکل‌دهی الگوی نظری معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی است. در این پژوهش ۱۸۰ کد در متن المیزان ذیل تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده نشانه‌گذاری شده است؛ تمام این تعداد کد در سه مضمون فراگیر و سپس طبق سلسله‌مراتب، ذیل مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه قرار گرفتند. توزیع تعداد کدها در این چهار مضمون در **Error! Reference source not found.** نمایش داده شده است.

جدول ۱: توزیع تعداد کدها در سه مضمون فراگیر

مضمون	فراوانی کدها	درصد
چیستی معرفت نفس	۵۷	۳۲/۲
طریق معرفت نفس	۷۲	۴۰/۶
زمینه‌های معرفت نفس	۳۶	۲۰/۳

در شکل زیر، شبکه مضامین به‌صورت محدود نمایش داده شده است تا نمای کلی پژوهش و مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده و پایه و ارتباط میان آنها در یک نگاه نشان داده شود.



شکل ۵: شبکه مضامین معرفت نفس

در این قسمت از پژوهش، ۱۲ کد از ۱۸۰ کد استخراج شده از متن تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده به‌عنوان نمونه و مضامین مرتبط با آنها نمایش داده شده است تا با مطالعه هر یک از کدها تا حدودی چگونگی مفهوم‌گیری و طبقه‌بندی مضامین به‌صورت کاربردی مشخص شود.

مبج	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر	نمونه کد
۱	تفسیر المیزان، ج: ۶، ۱۶۴ نهی آدمی از فراموش کردن خود (معرفت نفس) در پرداختن به اصلاح دیگران: اهمیت معرفت نفس مستند بر آیات	راه نیل به توحید	چستی معرفت نفس	أو يخافوا ضلالهم على هدى أنفسهم فيشتغلوا بهم و ينسوا أنفسهم فيصيروا مثلهم فإنما الواجب على المؤمن هو الدعوة إلى ربه و الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر و بالجملة الأخذ بالأسباب العادية ثم إيكال أمر المسببات إلى الله سبحانه فالإيه الأمر كله، فأما أن يهلك نفسه في سبيل إنقاذ الغير من الهلكة فلم يؤمر به، و لا يؤخذ بعمل غيره، و ما هو عليه بوكيل
۲	تفسیر المیزان، ج: ۶، ۱۷۰ برتر بودن سیر انفسی	راه نیل به توحید	چستی معرفت نفس	و كون السير الأنفسى أنفع من السير الألقى لعله لكون المعرفة النفسانية لا تنفك عادة من إصلاح أوصافها و أعمالها بخلاف المعرفة الألقىة
۳	تفسیر المیزان، ج: ۶، ۱۹۴ عملی بودن سیر خودشناسی	مقوله ای عملی	چستی معرفت نفس	و اعلم أن عرفان النفس بغية عملية لا يحصل تمام المعرفة بها إلا من طريق السلوك العملي دون النظرى
۴	تفسیر المیزان، ج: ۶، ۱۶۵ طریق بودن نفس مؤمن	طریق: نفس انسان	طریق معرفت نفس	فنفس المؤمن هو طريقه الذى يسلكه إلى ربه و هو طريق هداة، و هو المنتهى به إلى سعاداته.

۵	تفسیر المیزان، ج ۶: ۱۴۳	ذات مقدس ربوبی	غایت طریق معرفت نفس	غایت معرفت نفس	الهدایة و الطرق المسلوكة لأهل الضلال تنتهی إلى الله سبحانه، و عنده سبحانه الغایة المقصودة
۶	تفسیر المیزان، ج ۶: ۱۶۶	سالک: تمامی انسان-ها	سالک طریق معرفت نفس	طریق معرفت نفس	و هذا طریق اضطراری لا مناص للإنسان عن سلوکه كما يدل عليه قوله تعالى: «يا أيها الإنسان ائتك كادح إلى ربك كدحاً فملاقيه». الإنشاق: ۶ فهذا طریق ضروری السلوک یشارك فيه المؤمن و الکافر و الملتفت المنتبه و الغافل العامة
۷	تفسیر المیزان، ج ۶: ۱۸۸	چستی تهذیب نفس	ابزار طریق: تهذیب نفس	طریق معرفت نفس	فالدين يدعو إلى عبادة الإله سبحانه من غير واسطة أو بواسطة الشفعاء والشركاء لأن فيها السعادة الإنسانية و الحياة الطيبة التي لا بغية للإنسان دونها، و لا ينالها الإنسان و لن ينالها إلا بنفس طاهرة مطهرة من ألوان التعلق بالماديات و التمتع المرسله الحيوانية، فمست الحاجة إلى أن يدرج في أجزاء دعوته إصلاح النفس و تطهيرها ليستعد المنتحل به المترى في حجره للتلبيس بالخير و السعادة، و لا يكون كمن يتناول الشيء بإحدى يديه و يدفعه بالأخرى

۸	تفسیر المیزان، ج: ۵، ص: ۱۶۵	کیفیت تهذیب نفس در قرآن	ابزار طریق: تهذیب نفس	طریق معرفت نفس	<p>كقوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَنْتُنظِرَ نَفْسًا مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ، وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ، لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ»: الحشر: ۲۰. فالآيات تأمر بأن تنظر النفس و تراقب صالح عملها الذي هو زادها غدا و خير الزاد التقوى فللنفس يوم و غد و هي في سير و حركة على مسافة</p>
۹	تفسیر المیزان، ج: ۶، ص: ۱۸۹	دین فطری ریشه‌ی تمامی ادیان مختلف	ایمان به دین فطری	زمینه‌های معرفت نفس	<p>أن الأديان على اختلافها و تشتتها إنما انشعبت هذه الانشعابات من دين واحد عريق تدعو إليه الفطرة الإنسانية و هو دين التوحيد</p>
۱۰	تفسیر المیزان، ج: ۶، ص: ۱۸۹	اقتباس عرفان از دین فطری	ایمان به دین فطری	زمینه‌های معرفت نفس	<p>أن عرفان النفس بأى طريق من الطرق فرض السلوك إليه إنما هو أمر مأخوذ من الدين</p>
۱۱	تفسیر المیزان، ج: ۶، ص: ۱۶۲	انگیزه مادی	انگیزه‌های معرفت نفس	زمینه‌های معرفت نفس	<p>إحداهما المشتغلون بالاشتغال بإحراز شيء من آثار النفس الغريبة الخارجة عن حومة المتعارف من الأسباب و المسببات المادية، كأصحاب السحر و الطلسمات و أصحاب تسخير روحانيات الكواكب و الموكلين على الأمور و الجن و أرواح الأدميين و أصحاب الدعوات و العزائم و نحو ذلك.</p>

طائفة منهم يقصدون طريقه معرفة النفس لتكون ذريعه لهم إلى معرفة الربّ تعالى، و طريقتهم هذه هي التي يرتضيها الدين في الجملة و هي أن يشتغل الإنسان بمعرفة نفسه بما أنها آية من آيات ربّه و أقرب آية، و تكون النفس طريقا مسلوكا و الله سبحانه	معرفة نفس	انگیزه های معرفت نفس	انگیزه معنوی	تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۶۳	۱۲
--	-----------	----------------------	--------------	---------------------------	----

جدول ۲: نمونه کدها

نتیجه گیری

الگوی نظری معرفت نفس در دیدگاه علامه طباطبایی (کیفیت گذر از خودشناسی به خداشناسی)

در نتیجه تحلیل مضمون متن کتاب گران قدر المیزان فی تفسیر القرآن ذیل تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده که با هدف استخراج الگوی «معرفت نفس» علامه طباطبایی صورت گرفت، سه مضمون فراگیر که همگی به یکدیگر مرتبطند به دست آمد، و شبکه‌ای از مضامین ایجاد شد. برای تبدیل این شبکه مضامین به الگوی نهایی معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی، می‌بایست مضامین به دست آمده با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش، معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی را در یک الگوی نهایی توصیف کنند. منظور از الگوی نظری مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به دست می‌آید (خزایی، ۱۳۹۸، به نقل از: براون و کلارک، ۲۰۰۶).

داده‌ها برای رسیدن به الگوی نظری نهایی در دو مرحله ارزیابی و بررسی شدند. در ابتدا داده‌های متن المیزان ذیل تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده کدگذاری شده، سپس هر یک از کدها ذیل مضمون مرتبط دسته‌بندی شده و شبکه مضامین ایجاد شد. در مرحله دوم، کدها و مضامین که با سؤالات و اهداف پژوهش مرتبط هستند، به صورت گزارشی توصیفی جمع‌آوری شدند و در نهایت، در یک نگاه کلی به گزارش تفصیلی و با توجه به فراوانی کدهای مربوط به هر یک از مضامین و ارتباط مضامین با یکدیگر و با مقوله معرفت نفس، در دیدگاه علامه طباطبایی چهار عامل مهم و تاثیرگذار در زمینه معرفت نفس خودنمایی می‌کرد.

این عوامل عبارت‌اند از:

۱. عامل زمینه‌ای
۲. عامل رویکردی
۳. عامل عملکردی
۴. عامل غایی

۱. عامل زمینه‌ای: ایمان به دینی فطری و انگیزه معنوی صحیح

بعد زمینه‌ای و یا به عبارت دیگر، زمینه و شرط لازم برای معرفت نفس در دیدگاه علامه طباطبایی عبارت است از: «ایمان به دین فطری». همان‌طور که در گزارش تفصیلی ارائه شد، علامه معتقدند که ایمان به دین فطری و انجام دستورالعمل‌های آن، انسان را به زهد دعوت می‌کند و انسانی که در زندگی دنیوی خود زهد پیشه سازد، در نهایت، به عرفان نفس هدایت می‌شود؛ پس مستقر شدن یک دین در بین یک امت و جای گرفتن آن در دل‌ها، خودبه‌خود مردم را آماده و مهیا برای این می‌سازد که طریقه عرفان نفس را اختیار کنند و این باعث می‌شود بعضی از افرادی که واجد جمیع عوامل و شرایط مقتضی هستند، این طریق را اخذ نمایند.

همچنین انگیزه لازم برای رسیدن به معرفت نفس از عوامل مهم و تأثیرگذاری است که در تمامی این مسیر، سالک این راه را همراهی و هدایت می‌کند. انگیزه سالک در طی این طریق همواره باید انگیزه‌ای معنوی و خدا محور باشد. در صورتی که این انگیزه رنگ مادی بگیرد و یا با محوریت نفس انسانی باشد، این طریق به گمراهی ختم می‌شود.

۲. عامل رویکردی: طریقت معرفت نفس

در دیدگاه علامه طباطبایی، رویکرد سالک در زمینه معرفت نفس همواره باید به گونه‌ای باشد که معرفت نفس را طریقی برای رسیدن به معرفت رب بداند؛ نظر دین نسبت به معرفت نفس نظر آلی است و سالک همواره باید متوجه این امر باشد که معرفت نفس خود هدفی مستقل نیست، بلکه طریقی است برای رسیدن به معرفت رب.

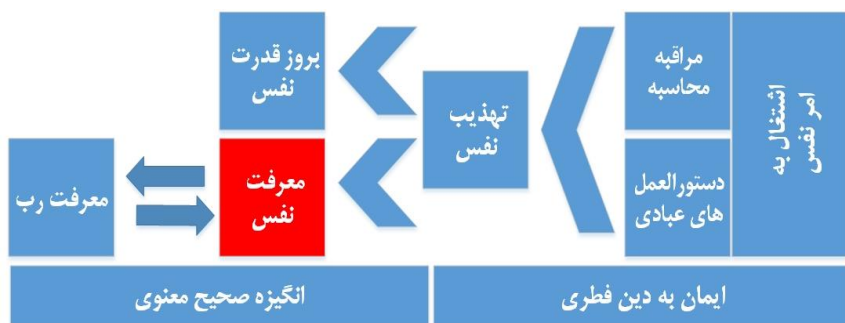
۳. عامل عملکردی: تهذیب نفس

«تهذیب نفس» به‌عنوان ابزاری برای معرفت نفس بعد عملی معرفت نفس را شامل می‌شود و باتوجه‌به گزارش تحلیل مضمون و نسبت فراوانی کدهای مربوط به تهذیب نفس این نتیجه به دست آمد که علامه طباطبایی در طول تفسیر آیه ۱۰۵ سوره مبارکه مائده بر روی عملی بودن مقوله معرفت نفس تأکید فراوانی دارند. ایشان معرفت نفس را مقوله‌ای عملی و نه نظری می‌دانند و کسب معرفت نفس را تنها نتیجه عملکرد سالک در طی این طریق می‌دانند، که کیفیت این عمل و یا به عبارت دیگر، تهذیب نفس و آثار آن به‌صورت تفصیلی در گزارش تحلیل مضمون ارائه شد.

۴. عامل غایی: معرفت رب

در دیدگاه علامه طباطبایی، سالک همواره باید متوجه غایت و نهایت این مسیر باشد و لحظه‌ای غفلت از غایت ممکن است او را به گمراهی بکشاند. انسان‌ها در طی طریق معرفت نفس باید همواره متوجه ذات مقدس ربوبی باشند و تمامی اهتمامشان در جهت رضایت و خواست خداوند متعال باشد تا بتوانند به نهایت مسیر که همان معرفت رب است و سعادت مطلوبی که خداوند متعال بشارتش را به بشر داده است نائل شوند.

باتوجه‌به چهار عامل اصلی در ارتباط با معرفت نفس، ساختار نهایی «معرفت نفس» در دیدگاه علامه طباطبایی در زیر نمایش داده شده است.





شکل ۶: الگوی نظری معرفت نفس

در الگوی نظری نهایی «معرفت نفس» ایمان به دینی فطری و انگیزه صحیح معنوی که از عوامل زمینه‌ای هستند و در طول مسیر همواره باید همراه سالک باشند، به‌عنوان زمینه در طول ساختار نشان داده شده است.

«مراقبه و محاسبه» و «دستورالعمل‌های عبادی» در دیدگاه علامه باعث تهذیب نفس و در نتیجه، بروز قدرت نفس می‌شوند که این امر به شناخت نفس کمک شایان توجهی می‌کند. باید توجه نمود که در الگوی نظری نهایی، «معرفت نفس» در رابطه با معرفت رب طریقت دارد و از آنجا که علامه معتقد به تقدم خدا آگاهی بر خودآگاهی هستند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۷۲)، معرفت رب و معرفت نفس در یک رابطه متقابل نشان داده شده است؛ زیرا همان‌طور که پیش از این بیان شد، معرفت ربّ و معرفت نفس هر یک باعث هم‌افزایی دیگری می‌شود. ولی در ابتدای مسیر، خدا آگاهی بر خودآگاهی مقدم است. به عبارتی، هرچه انسان در طی مسیر سلوک، آگاهی بیشتری نسبت به خود پیدا کند، آگاهی‌اش نسبت به پروردگارش افزایش می‌یابد. این رابطه، متقابل است. هرچه معرفت ربّ افزایش یابد، انسان نسبت به نفس خویش آگاه‌تر می‌شود.

منابع

- ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳ق)، *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، قم: مؤسسه سیدالشهدا 
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۸)، *روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن*، مصحح: محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
- تحریری، محمدباقر (۱۳۸۹)، *نجوای عارفانه (شرحی بر مناجات شعبانیه)*، تهران: نشر حر.
- تیمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه: رجائی، سید مهدی، قم: دار الکتب الإسلامی، چاپ دوم.
- جعفر بن محمد ، میرزا بابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبدالنبی و باقری، محمدجعفر (۱۳۸۴)، *مناهج أنوار المعرفه فی شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*، تهران: خانقاه احمدی.
- خزائی، داود (۱۳۹۸)، *الگوی نظری مدیریت جهادی با استفاده از سیره و سخنان امیرالمومنین (ع)* در *نهج البلاغه*، رساله دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

- رسولی، هاشم و آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۸)، *غرر الحکم و درر الکلم آمدی* (به صورت موضوعی) با شرح و ترجمه فارسی (محلّاتی)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۸۲)، *معرفت نفس در تفسیر المیزان*، نشریه رواق اندیشه، ش ۱۸، ص ۴۹-۷۰.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التّأویل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- سراج، شمس الله و منفرد، سمیه (۱۳۹۵)، *نفس شناسی به منزله مبنایی برای خدانشناسی در نظام اندیشه ابن عربی و صدر المتألهین*، معرفت فلسفی، ش ۵۳، صص ۵۷-۷۸.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۱)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: اسماعیلیان. چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۸)، *بررسی های اسلامی*، گردآوری: خسرو شاهی، هادی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، موسوی همدانی، محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، فضل الله یزدی طباطبائی، تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، ابوالقاسم گرگی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، احمد حبیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- لیثی واسطی، علی بن محمد و حسنی بیرجندی، حسین (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۳۷۱)، *کشف الاسرار و عدۀ الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، به اهتمام حکمت، علی اصغر، تهران: امیر کبیر.
- نوروزی، طاهره (۱۳۸۶)، *تهذیب نفس از دیدگاه فلسفه صدرایی*، مجله اخلاق، ش ۸، صص ۱۴۸-۱۸۶.
- Braun, V and Clarke, v (2006), *Using thematic analysis in psychology, Qualitative research in psychology*, 3 (2), Pp77-101.